

## سالگرد انقلاب زینا: بیست تری برای یک جمع‌بندی تاریخی

شاهپور شهبازی با بررسی مفاهیم اعتراض، خیزش و انقلاب، توضیح می‌دهد که چرا آنچه در ایران در جریان است یک جنبش انقلابی است.

شاهپور شهبازی



یک دانشجوی معترض در کلاس درس

۱۴۰۲ شهریور

در آستانه‌ی اولین سالگرد اعتراضات سراسری شهریورماه ۱۴۰۱ هستیم. جمع‌بندی در مورد دستاوردهای انقلاب زینا در یک جستار نمی‌گنجد اما در سالگرد این رویداد تاریخی پرسش‌بنیادی‌ای را طرح می‌کنیم تا نقب کوتاهی به رویدادهای تاریخی چهار دهه و سال گذشته بزنیم و نقاط مشترک و متمایز آن در دریابیم.

پرسش اصلی این است که چه مفهومی بیان واقعی رویداد تاریخی سال گذشته بود؟ اعتراض؟ خیزش؟ قیام؟ انقلاب؟ جنبش انقلابی؟ جنبش اجتماعی؟ و چرا؟ تفاوت این مفاهیم در چیست؟ انتخاب هرکدام از این مفاهیم چه معنایی را بارز می‌کند؟

برای پاسخ به این سوالات ابتدا به طور بسیار مختصر تنها به دیدگاه یکی از نظریه‌پردازان انقلاب، هانا آرنست، می‌پردازیم.

### انقلاب به روایت آرنست

هانا آرنست در کتاب «انقلاب»، واژه‌ی Revolution (انقلاب) را در اصل به معنای «بازآوری» یا «بازگشت» تعبیر می‌کند و از تبارشناسی این واژه به نتیجه می‌رسد که کلمه‌ی Revolution از مصطلحات اخترشناسی است که به واسطه‌ی اثر بزرگ کوپرنیک در علوم طبیعی دارای اهمیت شد. این واژه در کاربرد علمی و معنای دقیق لاتینی آن «دال بر حرکت دورانی منظم و قانونمند ستارگان است که بیرون از نفوذ انسان و ایستادگی‌ناپذیر است.»

بدین نظر به معنای واژه، دو کیفیت برای انقلاب برجسته می‌شود: یک، «قانونمندی حرکت دورانی» و دو، «ایستادگی ناپذیری». هانا آرنت اما معتقد است، در سده‌ی هفدهم برای نخستین بار این واژه به صورت یکی از اصطلاحات سیاسی و به معنای «گردش به جای اول، به نقطه‌ای پیش بنیاد» به کار گرفته می‌شود و به طور ضمنی به معنای «بازگشت به نظمی از پیش تعیین شده» است.

هانا آرنت می‌نویسد [i] ([https://www.radiozamaneh.info/u/wp-admin/post.php?post=778050&action=edit#\\_edn1](https://www.radiozamaneh.info/u/wp-admin/post.php?post=778050&action=edit#_edn1)) :

«،» باید به انقلاب‌های آمریکا و فرانسه بپردازیم و متوجه باشیم که هر دو انقلاب را مردانی به صحنه آوردند که در مراحل بدوی معتقد بودند کاری که می‌کنند فقط بازگرداندن نظام دیرین است که در اثر خودکامگی‌های حکومت مطلقه سلطنتی یا سوءاستفاده‌های حکومت انگلستان در مهاجرنشین‌ها به هم خورده و مورد تجاوز واقع شده است. این مردان با نهایت صمیمیت و خلوص ادعا داشتند که فقط قصد بازگشت به گذشته‌ای را دارند که در آن همه چیز چنانکه می‌بایست، بوده است.

اما از سده‌های هفدهم و هجدهم روح عصر جدید در کالبد این واژه ریخته می‌شود و در انقلاب فرانسه این واژه معنای دیگری می‌یابد. تسخیر قلعه‌ی باستیل و پاسخ لیانکور به پادشاه به نظر هانا آرنت «برای نخستین بار تاکید را تماما از مفهوم قانونمندی یک حرکت دورانی به کیفیت ایستادگی ناپذیری این گردش منتقل می‌کند.» [ii] ([edn 2\\_#](https://www.radiozamaneh.info/u/wp-admin/post.php?post=778050&action=edit#_edn2))

هانا آرنت در نهایت انقلاب را به عنوان یک پدیده‌ی مدرن تعریف می‌کند و معتقد است که انقلاب نه تنها یک شورش یا جنگ داخلی نیست، بلکه یک فرصت برای ایجاد فضای سیاسی جدید است که در آن آزادی و مشارکت مردمان محقق شود. هانا آرنت انقلاب آمریکا را یک مثال موفق در تاسیس جمهوری برمی‌شمارد، برخلاف انقلاب فرانسه که به زغم او به خشونت و دیکتاتوری انجامید.

آرنت در کتاب «انقلاب مجارستان» (۱۹۵۶) که تنها ده روز به طول انجامید، ضمن ستایش از آن به عنوان «انقلاب خودانگیخته» که به تعبیر روزا لوکزامبورگ «یعنی قیام ملتی برای آزادی و نه چیز دیگری» [iii] ([edn 3\\_#](https://www.radiozamaneh.info/u/wp-admin/post.php?post=778050&action=edit#_edn3)) می‌نویسد: «این انقلاب سازمان‌یافته نبود و از هیچ مرکزی هدایت نمی‌شد، فقط اراده و آرزوی آزادی نیروی محرکه برای هر اقدام را تشکیل می‌داد. خواست، آزادی بود.» [iv] ([edn 4\\_#](https://www.radiozamaneh.info/u/wp-admin/post.php?post=778050&action=edit#_edn4)) او با تحلیل روند شکل‌گیری، رشد، پیروزی و شکست انقلاب مجارستان می‌گوید: «آنچه انقلاب را به پیش می‌برد چیزی نبود جزء نیروی نابی که از درون تمامی یک ملت متحد در عمل ناشی می‌شد، ملتی که به طور دقیق می‌دانست چه می‌خواهد و نیازی نداشت که خواستش را به گونه‌ای پیچیده و غامض بیان کند.» [v] ([edn 5\\_#](https://www.radiozamaneh.info/u/wp-admin/post.php?post=778050&action=edit#_edn5)) آرنت تاکید می‌کند [vi] ([https://www.radiozamaneh.info/u/wp-admin/post.php?post=778050&action=edit#\\_edn6](https://www.radiozamaneh.info/u/wp-admin/post.php?post=778050&action=edit#_edn6)) :

«،» هیچ انقلابی پیش از این با چنین سرعت و دقت و با کمترین خون‌ریزی به اهداف خود نرسیده بود. نکته شگفت‌آور در انقلاب مجارستان در این است که جنگ داخلی به دنبال نداشت. ارتش مجارستان طرف چند ساعت و دولت طرف چند روز منحل شدند و پس از آن که ملت اراده خود را به وضوح و روشنی اعمال کرد، حتی یک گروه یا طبقه در تمام مجارستان پیدا نمی‌شد که بخواهد در مقابل آن مقاومتی نشان دهد.

فعلا به تناقضات تئوری انقلاب هانا آرنت نمی‌پردازیم. آنچه مشخص است مفهوم‌پردازی آرنت را انقلاب پرش‌های متعددی را برمی‌انگیزند؛ از جمله اینکه: آیا انقلاب به معنی تغییر نظام سیاسی است؟ در این صورت چرا انقلاب ۱۹۰۵ روسیه که به تغییر نظام تزاری روسیه منجر نمی‌شود، انقلاب نامیده می‌شود؟ آیا انقلاب ۵۷ ایران که در پگ گام به جلو به تغییر نظام سیاسی منجر شد اما در صد گام به عقب یکی از ارتجاعی‌ترین نظام‌های سیاسی معاصر را مستقر ساخت کماکان انقلاب نامیده می‌شود؟ آیا انقلاب را می‌توان با نتایج آن یکی گرفت و تعریف کرد؟ اگر آری، چرا انقلاب کبیر فرانسه را که به برپایی گیوتین بر هر کوی و برزن منجر شد انقلاب می‌نامیم؟ اگر انقلاب ربطی به نتیجه‌ی آن ندارد، آیا تغییر نظم سیاسی معیار تعریف انقلاب است؟ در این صورت، تغییر نظم سیاسی با هر وسیله و امکانی از جمله کودتا، توطئه، حمله‌ی نظامی و... را می‌توان انقلاب نامید؟ آیا اشکال تغییر نظم موجود به معنای تاکید بر فرایند ربطی به تعریف مفهوم انقلاب ندارد؟ فرایند یعنی چه؟ آیا فرایند به معنی سیاسی‌شدن سراسری ملت حول یک خواست مشترک است؟ آیا فرایند به معنای خودشناسی جمعی یک ملت است؟ آیا فرایند به معنای خودآگاهی اخلاقی مردم است؟ آیا به معنای خانه‌تکانی روحی و روانی از آلودگی نظم قدیم است؟ در تمام این حالات تفاوت میان اعتراض، قیام، انقلاب و جنبش انقلاب و جنبش اجتماعی در چیست؟

برای پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها بدون اینکه درگیر پاسخ مشابه، متفاوت یا متضاد سایر نظریه‌پردازان شویم، از زاویه‌ی دیگری این مفاهیم را بازتعریف می‌کنیم تا بتوانیم آنها را به سالگرد انقلاب ژینا پیوند بزنیم.

## سرشت دوگانه خواست

کوچکترین واحد و سلول بنیادی مشترک «اعتراض»، «خیزش»، «قیام»، «انقلاب» «جنبش انقلابی» و «جنبش اجتماعی»، «خواست» یا «مطالبه» است. هر «خواست» فردی یا جمعی، دارای سرشت دوگانه است: بیرونی و درونی. سرشت بیرونی هر «خواست»، «اعتراض» به چیزی است که به دو شکل «سلب» و «ایجاب» آشکار می‌شود. سلب، یعنی سوزنه اعتراض چه چیزی را نمی‌خواهد و ایجاب یعنی چه چیزی را می‌خواهد. در فحوای هر سلب، ایجاب و در هر ایجاب، نوعی سلب است اما هر «خواست» سلبی و ایجابی، فردی یا جمعی به اعتراض، خیزش، قیام، انقلاب یا جنبش منجر نمی‌شود. بنابراین برای تشخیص تفاوت این مفاهیم می‌بایست با دقت بیشتری سرشت دوگانه‌ی «خواست» را واکاوی کنیم.

هر «خواست»، فردی یا جمعی، بیرونی یا درونی، سلبی یا ایجابی در هر حوزه‌ای از یک قانون واحد ارزش تبعیت می‌کند که دارای دو شکل بروز است: یک، هر «خواست» معطوف به تحقق نیاز بیرونی، انضمامی، مشخص و عینی خاص است. مثلا یک کارگر، معلم، کارمند یا مدیر و...

بنابر خدمات ویژه‌ای که انجام می‌دهد و نیاز مصرف خاصی را رفع می‌کند، «خواست» اضافه حقوق می‌کند. این شکل بروز خواست مشخص، انضمامی، عینی و ناهمگن متناسب با قابلیت و حوزه‌ی کاری آن فرد است که نام آن را «شکل نسبی ارزش» می‌نامیم. اما شکل دوم بروز ارزش «خواست»، مثلاً اضافه‌ی حقوق یک کارگر یا معلم در چارچوب میانگین استاندارد حقوق کارگران و معلمان صورت می‌گیرد که مجرد، انتزاعی، ذهنی اما همگن است که نام آن را «شکل عام ارزش» می‌گذاریم. (این مفاهیم با معانی دیگری به تفصیل و جزئیات در حوزه‌ی تحلیل اقتصاد سرمایه‌ی داری در جلد اول «کاپیتال» مارکس آمده است، اما در اینجا این مفاهیم به همان معنا به کار برده نمی‌شود بلکه به ریشه و خاستگاه اصلی فلسفه‌ی اقتصاد سیاسی، یعنی به زبان علوم اجتماعی برگردانده شده است.)

## خواست در پرتو شکل نسبی ارزش و شکل عام ارزش

به زبان دیگر، اگرچه «منشا ارزش» هرخواست فردی یا جمعی، به آن فرد و جمع مربوط می‌شود (شکل نسبی ارزش) اما هرخواست، فردی یا جمعی «بیان عام ارزش» خود را از طریق مقایسه با سایر «خواست‌ها» به عنوان میانگین اجتماعی «خواست» کسب می‌کند (شکل عام ارزش). تنها به این صورت است که هر «خواست» قادر است ارزش خویش را با نسبت واحدی بیان کند. با توجه به اینکه سرشت انسان اجتماعی است، مطلقاً هیچ «خواست» فردی و جمعی وجود ندارد که دارای این دو شکل بروز ارزش نباشد، حتی اگر آن خواست محدود به رفع نیاز فقط یک نفر باشد. به قول مارکس [vii] [https://www.radiozamaneh.info/u/wp-admin/post.php?post=778050&action=edit#\\_edn7](https://www.radiozamaneh.info/u/wp-admin/post.php?post=778050&action=edit#_edn7) :

“از آنجا که انسان با آینه یا به جهان نمی‌گذارد و یا چون فیلسوفی فیخته‌ای مسلک به دنیا نمی‌آید که بتواند بگوید "من، من هستم" هر انسان ابتدا خود را در انسانی دیگر می‌بیند و می‌شناسد. پیترو به اعتبار رابطه‌ی خویش با شخص دیگر مثلاً پل که در او مشابهنش را تشخیص می‌دهد، با خود به عنوان یک انسان ارتباط برقرار می‌کند. با این همه پل همچنین از فرق سر تا نوک پا در شکل فیزیکی‌اش به عنوان پل، به شکل انسان نوعی برای پیترو تبدیل می‌شود.

مثلاً «شکل نسبی ارزش» خواست افزایش حقوق یک کارگر یا جمعی از کارگران کارخانه‌ی نیشکر هفت تپه ابتدا در نسبت میانگین حقوق کارگران همان کارخانه ارزیابی می‌شود. بنابراین از معیارهای کمی، عینی، انضمامی و مشخص پیروی می‌کند اما «شکل عام ارزش» خواست حقوق فردی یا جمعی کارگران کارخانه‌ی هفت تپه از نسبت حقوق آنان، متناسب با شرایط جغرافیایی و تاریخی، با میانگین حقوق کارگران سراسر کشور و حتی وسیع‌تر کارگران سراسر جهان تبعیت می‌کند، بنابراین از معیارهای کیفی، ذهنی، غیرانضمامی و مجرد پیروی می‌کند. بنابراین هنگامی که از وجه بیرونی خواست حرف می‌زنیم (در محدوده کارگر یا کارگران هفت تپه) در حوزه‌ی واقعیت عینی، مشخص و انضمامی سروکار داریم اما هنگامی که از وجه درونی، مجرد، غیرانضمامی «خواست» سخن می‌گوئیم (در محدوده کارگران سراسر کشور یا جهان) در ساحت «ارزش»ها به عنوان «نسبت واحد» سخن می‌گوئیم. بدون این نسبت واحد به عنوان «معیار ارزش» امکان تعریف «خواست» ممکن نیست. فرایند تحقق «خواست» به «منشاء ارزش خواست» و «تجلی ارزش خواست» وحدت می‌بخشد. این دو وجه از هم تفکیک‌ناپذیر هستند اما برای تعریف مفاهیم اعتراض، خیزش، قیام، انقلاب، جنبش انقلابی و جنبش اجتماعی آنها را در سطح تجرید از هم متمایز می‌کنیم.

**حتی اگر جنبش سبز به قیام سراسری منجر و پیروز می‌شد، وجه سلبی خواست، رفع ثقل در انتخابات، در پرتو وجه ایجابی خواست یعنی تثبیت نظام جمهوری اسلامی معنا می‌یافت. بنابراین این جنبش، نه به لحاظ سرشت درونی و بیرونی و نه به لحاظ بروز ارزش، نسبتی با قیام و انقلاب نداشت.**

«شکل نسبی ارزش» معطوف به کمیت مشخصی از افراد در یک حوزه‌ی مشترک، فعالیت مشترک و منافع مشترک است که شامل مفهوم طبقه، صنف، قشر و ... می‌شود که از «شکل عام ارزش» که میانگین اجتماعی خواست را تعیین می‌کند، تبعیت می‌کند. اما زمانی که «شکل نسبی ارزش» بتواند خودش در «شکل عام ارزش» که فراتر از طبقه، صنف، قشر و ... است، بارز کند به گونه‌ای که تحقق آن مستلزم تغییر نظم موجود و مستقر در جامعه باشد مفاهیم سیاسی خیزش، قیام، انقلاب، جنبش انقلابی و جنبش اجتماعی معنا پیدا می‌کنند.

در این حالت «شکل عام ارزش» نه از میانگین اجتماعی آن جامعه بلکه از میانگین اجتماعی جامعه‌ی جهانی پیروی می‌کند. به همین دلیل هر «خواست» از منظر «کمی» مبتنی بر یک فاکتور «ایزکتیو» (عینی) است. این معیار ایزکتیو (عینی) بیان کمیت نیروهای شرکت‌کننده خواهان تحقق خواست است که مقبولیت (مشروعیت) آن «خواست» را مشخص می‌کند اما از منظر کیفی، خواست نه با «مقبولیت» (مشروعیت) بلکه با «حقانیت» به عنوان محک سنجش مقبولیت (مشروعیت) سروکار دارد. «حقانیت» هرخواست از کانال وفاداری به معیار کیفی، مجرد اما همگن «نوعیت» می‌گذرد. در «نوعیت»، سرشت ذاتی بشر به عنوان یک کل به معنی تحقق حقوق انسان به عنوان فرد بازنمون می‌شود. بنابراین حقوق هیچ «فرد مشخص» در جهان به نفع هیچ «کل مبهم» مانند دین، مذهب، قوم، ملت، سازمان، گروه و ... نباید قربانی شود.

معیار تشخیص این «خواست» را دستاوردهای حقوقی یک ملت خاص و قوانین موجود آن کشور تعیین نمی‌کند، بلکه معیار، بالاترین سطح تاریخی حقوق انسان در جهان به شکل عینی است. این معیار محصول دستاوردهای کل تاریخ بشر در همان عصر است. درست مانند اینکه بین درشکه و اتومبیل معیار سطح فنی و تاریخی آن دوران را اتومبیل تعیین می‌کند نه درشکه، اگرچه در برخی از کشورها کماکان از درشکه به عنوان وسیله‌ی سفر استفاده شود. به همین دلیل از منظر «کیفی» دستاوردهای جهانی بشر ملاک «حقانیت خواست» و حقوق شهروندی است نه تعریف بومی و ایدئولوژیک از خواست و حقوق شهروندی. «حقانیت» دستاوردهای جهانی بشر نیز «امر تاریخی» و «نسبی» است و دائم در حال تغییر است، با این وجود، معیار صحت و سقم این «نسبیت جهانی» نیز دوری و نزدیکی آن با «نیازهای نوعی بشر» یا «انسان نوعی» است.

## جنبش اجتماعی، قیام و انقلاب سیاسی

کلی‌ترین و غیرانحصاری‌ترین «شکل عام ارزش» در مفهوم «جنبش اجتماعی» به بیان درمی‌آید که تأثیر آن شامل همه‌ی طبقات، اقشار و صوف جامعه می‌شود و غالباً مخصوص به یک دوره‌ی زمانی کوتاه مدت نیست بلکه معطوف به یک دوره‌ی تاریخی خاص است. یک حرکت بطئی، آرام، درازمدت و مدنی است. یعنی گذار تغییرات کمی ساده به یک کیفیت جدید یا دقیق‌تر؛ گذار از یک مرحله‌ی تاریخی نظم اجتماعی به مرحله و نظمی دیگر. به قول مارکس [viii] <https://www.radiozamaneh.info/u/wp-admin/post.php?> (post=778050&action=edit#\_edn8) :

“تضاد نیروهای مولده با شکل مراوده (مناسبات اجتماعی) از کانال انقلابات و دگرگونی‌های اجتماعی حل می‌شود. (یعنی) به جای شکل پیشین مراوده که به مانعی تبدیل شده، شکل جدیدی مطابق با نیروهای مولده متکامل‌تر نشوونما می‌باید و آنگاه این شکل جدید مراوده به تطابق خود با نیروهای مولده متکامل‌تر پایان می‌دهد و به مانعی بر سر راه آنها تبدیل می‌شود و آنگاه شکل مراوده‌ی تاریخی پیشرفته‌تر بعدی جایگزین آن می‌گردد.

این جنبش‌های اجتماعی بطئی، آرام و درازمدت برای تبدیل به کیفیت جدید نیازمند کاتالیزور انقلاب هستند. به همین دلیل جنبش‌های اجتماعی به جنبش‌های انقلابی و انقلاب گره می‌خورند. مثلاً جنبش اجتماعی تغییر مناسبات فئودالی به جامعه‌ی سرمایه‌داری از کانال انقلاب بورژوازی کبیر فرانسه محقق می‌شود. برای گذار از این مرحله‌ی تاریخی به قول مارکس: «انقلاب‌ها لوکوموتیوهای تاریخ‌اند» [ix] (edn9\_#) یعنی «انقلاب» مترادف «تغییر با سرعت» است که شامل مجموعه‌ی فشرده‌ای از اصلاحات ساختاری در حوزه‌ی اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، هنری و... در کوتاه مدت است. برخلاف «اصلاحات» که مترادف با «تغییر تدریجی» و مجموعه‌ی پراکنده‌ای از اصلاحات در درازمدت است. بنابراین: «برای هر جامعه‌ی کهنه‌ای که آستان جامعه نوین است، (انقلاب یا قهر انقلابی) به منزله‌ی ماما است.» [x] (edn10\_#) در واقع «انقلاب» به مثابه‌ی «ماما»، به زایمان راحت‌تر و سریع‌تر جامعه برای تولد «نظم جدید» کمک می‌کند.

ضرورت وقوع انقلاب از این اصل ناشی می‌شود که هر «جنبش اجتماعی و انقلابی» در فرایند رشد با «مانیفست موانع» از سوی طبقات متخاصم و مدافع نظم کهنه مواجه شود، بنابراین مدافعان نظم جدید برای تحقق «خواست» به اشکال قهرآمیز اعتراض، خیزش، قیام و انقلاب مجبور می‌شوند.

**در قیام آبان ۹۸ وجه سلبی «خواست»، یعنی نفی حاکمیت جمهوری اسلامی به عنوان «شکل عام ارزش» عنصر وحدت بخش بود و در قیام ژینا ۱۴۰۱، علاوه بر این سلب، وجه ایجابی «خواست»، یعنی آرمان «زن»، «زندگی»، «آزادی» به عنوان عالی‌ترین و کامل‌ترین بروز «شکل عام ارزش» که تبلور میانگین همه‌ی صداهای موجود در جامعه بود عینی شد. بنابراین همه به لحاظ کمی مشروعیت داشت و هم به لحاظ کیفی حقانیت.**

«جنبش‌های انقلابی» متناسب با شرایط خاص و ویژه هر تاریخ و جغرافیایی می‌توانند در کوتاه‌مدت یا درازمدت با توسل به «قهرانقلابی» اهدافشان (خواست) را محقق کنند، یا نکنند. قیام «نقطه‌ی عطف» و انقلاب «نقطه‌ی اوج» جنبش‌های اجتماعی و انقلابی هستند. در صورت شکست قیام، پروژه و گفتمان جنبش اجتماعی و انقلابی پایان نمی‌پذیرد و کماکان «قیام» و «انقلاب» در دستور کار جنبش اجتماعی و انقلابی قرار دارد اما در صورت رشد «قیام» و پیروزی «انقلاب» دوران تازه‌ای آغاز می‌شود که خودش را از طریق تثبیت الگوهای جدید سبک زندگی با گذشته متمایز می‌کند.

تمایز «اعتراض»، «قیام» و «انقلاب» نسبت مستقیم با سرشت درونی و بیرونی خواست به عنوان سلول بنیادی «جنبش اجتماعی» و «جنبش انقلابی» دارد و تا رفع این سرشت دوگانه «جنبش اجتماعی» و «جنبش انقلابی» وارد دوران تازه‌ای نمی‌شود. پیروزی یا شکست قیام‌ها و انقلابات، «جنبش‌های اجتماعی و انقلابی» را وارد مرحله‌ی تازه‌ای از مبارزه و «گفتمان‌سازی» خواهد کرد. تمام این زنجیره به عنوان «امر تاریخی» زیرشاخه‌ی تضاد منافع طبقات مختلف جامعه و فرایند مبارزه‌ی طبقاتی آنهاست. به این واسطه «جنبش اجتماعی» و «جنبش انقلابی» دوروی سکه‌ی «مبارزه‌ی طبقاتی» هستند که تضاد طبقات متخاصم و متقابل را توسط انقلاب به عنوان میانجی مکمل و متمایز کننده رفع می‌کند و جامعه وارد دوران تازه‌ای از تضاد می‌شود. با پذیرش این تعاریف اکنون در موقعیتی هستیم که تفاوت مفاهیم را با توجه به مصداق‌های جامعه‌ی ایران بررسی کنیم.

## اعتراضات ۸۸ : بن بست بروز شکل عام ارزش

اعتراضات سال ۸۸ موسوم به «جنبش سبز» به مثابه شکل بیرونی «خواست» (سلب) در اعتراض به تقلب در انتخابات ریاست جمهوری و حول محور «خواست» اصلی «رای من کو؟» شکل گرفت که مشخص، انضمامی و عینی بود (شکل نسبی ارزش). اما سرشت درونی «خواست» (ایجاب) جنبش سبز به عنوان یک ارزش کیفی، انتزاعی و مجرد (شکل عام ارزش) بازگشت به اصول «قانون اساسی جمهوری اسلامی» بود. بنابراین حتی اگر اعتراضات به شکل قیام سراسری تحقق انضمامی می‌یافت و پیروز می‌شد، شکل ایجابی آن، نه تغییر نظام جمهوری اسلامی، بلکه تثبیت آن بود.

از منظر سرشت کمی و کیفی خواست (مشروعیت و حقانیت) اگرچه توده‌های شرکت‌کننده در «جنبش سبز» از اکثریت اقشار و طبقات مختلف جامعه بودند (عمدتاً طبقه‌ی متوسط) و به این لحاظ جنبش مشروعیت داشت اما در حوزه‌ی بروز «ارزش»، «جنبش سبز» بازنمون تنوع میانگین صداهای جامعه‌ی ایران نبود و تبدیل به میانگین صداهای موجود جامعه نشد، بلکه فقط بیان طیف خاصی از صداها را بارز

کرد، به همین دلیل هم در سطح واقعیت و هم در سطح تجرید به شکل انحصاری و غیردموکراتیک تمام صداهای غیرهمشکل با خودش در داخل و خارج از کشور (مانند صدای ایوزیسیون برانداز) را بلعید و اجازه‌ی نفس کشیدن و طرح خواست به آنان را نداد. در این حالت حتی اگر جنبش سبز به قیام سراسری منجر و پیروز میشد، وجه سلبی خواست، رفع تقلب در انتخابات، در پرتو وجه ایجابی خواست یعنی تثبیت نظام جمهوری اسلامی معنا می‌یافت.

پس این جنبش، نه به لحاظ سرشت درونی و بیرونی و نه به لحاظ بروز ارزش، نسبتی با قیام و انقلاب نداشت. اما اگر اعتراضات «جنبش سبز» در صورت ادامه و رادیکال شدن «خواست» می‌توانست هم به لحاظ بیرونی و درونی به اندازه‌ای رشد کند که در حوزه‌ی بروز ارزش (شکل عام ارزش) تمام صداها بتوانند معادل هم‌عرض خودشان را در این جنبش پیدا کنند، در آن صورت سرشت درونی و بیرونی جنبش سبز توسط نیروهای شرکت کننده در آن تغییر ماهیت می‌داد و تعریف نقاط عطف و اوج آن ذیل مفهوم انقلاب تعریف می‌شد اما با شکست و سرکوب اعتراضات جنبش سبز بافوقی رادیکالیزه شدن آن نیز به بن‌بست رسید. و بدین ترتیب، عمر آنچه در واقع تداوم اعتراضات سراسری دهه‌ی هفتاد بود در چارچوب «جنبش اجتماعی اصلاحات» پایان یافت.

## آبان ۹۸: عدم تحقق وجه ایجابی خواست

عکس این موضوع در مورد قیام سراسری آبان ۹۸ و قیام سراسری سال گذشته (ژینا) صادق است. قیام آبان ۹۸ نیز در اعتراض (خواست) به افزایش قیمت بنزین صورت گرفت (شکل نسبی ارزش) اما با سراسری شدن قیام به شعار «اصلاح طلب، اصول گرا، دیگه تومومه ماجرا» و نفی حاکمیت جمهوری اسلامی به مرحله بروز «شکل عام ارزش» رسید. این «شکل عام ارزش» به لحاظ کمی متشکل از اکثریت طبقات و اقشار مختلف مردم ایران بود. به لحاظ کیفی و بروز ارزش نیز هم در سطح واقعیت و هم در سطح تجرید ماهیت دموکراتیک و غیرانحصاری داشت و همه‌ی صداهای ایوزیسیون داخل و خارج از کشور را در بر گرفت، بدون اینکه به هیچ‌کدام از این صداها برتری هژمونیک دهد.

بنابراین ایوزیسیون داخل و خارج از کشور از منتهی الیه راست، سلطنت طلب‌ها تا منتهی الیه چپ سوسیالیست‌ها و مارکسیست‌ها قیام آبان را معادل هم‌عرض صدای خودشان دریافتند و از آن استقبال کردند. وجه سلبی «خواست» در قیام آبان ۹۸ نفی نظام جمهوری اسلامی بود اما وجه ایجابی «خواست» در قیام به عنوان بدیل نظام جمهوری اسلامی قبل از آنکه شکل بگیرد، سرکوب شد. بنابراین حتی در صورت پیروزی زودرس قیام آبان به قول مولانا «چون کشتی بی‌لنگر کز می‌شد و مژ می‌شد» و احتمال شکست آن بالا بود. بنابراین به لحاظ سرشت دوگانه‌ی «خواست»، اعتراضات آبان ۹۸ قیام محسوب می‌شود، زیرا وجه ایجابی آن مجهول ماند. به همین دلیل قیام آبان ۹۸ نیازمند قیام سراسری سال گذشته ۱۴۰۱ بود تا سرشت دوگانه‌ی انقلاب، بیرونی و درونی، سلب و ایجاب، کمی و کیفی تکمیل شود.



انقلاب ژینا، به رغم اینکه نتوانست موجب تغییر نظم سیاسی موجود شود اما توانست روایت خودش از «زن»، «زندگی»، «آزادی» و «آزادی» را به شکل «گفتنمان» و بدیل نظام جمهوری اسلامی باززند. دقیقاً به همین دلیل آن را «انقلاب ژینا» می‌نامیم

در قیام آبان ۹۸ وجه سلبی «خواست»، یعنی نفی حاکمیت جمهوری اسلامی به عنوان «شکل عام ارزش» عنصر وحدت بخش بود و در قیام ژینا ۱۴۰۱، علاوه بر این سلب، وجه ایجابی «خواست»، یعنی آرمان «زن»، «زندگی»، «آزادی» به عنوان عالی‌ترین و کامل‌ترین بروز «شکل عام ارزش» که تبلور میانگین همه‌ی صداهای موجود در جامعه بود عینی شد. بنابراین همه به لحاظ کمی مشروعیت داشت و هم به لحاظ کیفی حقانیت. این دو رویداد تاریخی بسیار مهم به عنوان «نقطه‌ی عطف» و «نقطه‌ی اوج» سرشت دوگانه‌ی یک فرایند واحدی به نام «انقلاب ژینا» هستند.

## جنبش ژینا: این یک انقلاب است

با وجود این، «انقلاب ژینا» موفق نشد دو وجه سلب، نفی حاکمیت جمهوری اسلامی و ایجاب، تحقق آرمان زن، زندگی، آزادی را به شکل مادی محقق کند و وحشیانه سرکوب شد. هرچند آن را به شکل عینی و ذهنی، یعنی پیشنهاد الگو و سبک جدید زندگی، بازنمون کرد.

به شکل کمی و عینی چهره‌ی کوچه‌ها، خیابان‌ها و شهرها بعد از شکست انقلاب ژینا و در واقع بعد از گذشت چهل و چهار سال از تاسیس جمهوری اسلامی به شکل بنیادی تغییر کرد. برای اولین بار به‌رغم انواع و اقسام فشارها و سرکوب‌ها، نه فقط زنان حجاب را رعایت نمی‌کنند بلکه اکثریت جامعه از این سبک جدید زندگی حمایت می‌کنند.

انقلاب ژینا، به رغم اینکه نتوانست موجب تغییر نظم سیاسی موجود شود اما توانست روایت خودش از «زن»، «زندگی» و «آزادی» را به شکل «گفتمان» و بدیل نظام جمهوری اسلامی بارز کند. دقیقاً به همین دلیل آن را «انقلاب ژینا» می‌نامیم، مشابه انقلاب ۱۹۰۵ روسیه که منجر به تغییر نظام تزارسیم نشد اما کماکان انقلاب محسوب می‌شود یا انقلاب کمون پاریس (۱۸۷۱) که سه ماه و انقلاب مجارستان (۱۹۵۶) که تنها ده روز عمر آنها به طول انجامید، اما کماکان انقلاب خوانده می‌شوند. از این منظر تمام اعتراضات منسجم و پراکنده بعد از قیام آبان تا انقلاب ژینا در سال گذشته و ادامه‌ی آن تا به امروز بخشی از فرایند «جنبش انقلابی ژینا» هستند.

## بیست تیز برای یک جمع‌بندی تاریخی

عطف به طرح نظری این مقاله، اکنون در موقعیت جمع‌بندی رویدادهای تاریخی گذشته تا به امروز هستیم.

۱) خواست یا مطالبه کوچکترین واحد یا سلول بنیادی اعتراض، خیزش، قیام، انقلاب، جنبش انقلابی و جنبش اجتماعی است.

۲) هر خواست دارای سرشت دوگانه‌ی بیرونی-درونی، کمی-کیفی، سلبی-ایجابی است که در دو «شکل نسبی ارزش» و «شکل عام ارزش» بارز می‌شوند.

۳) «شکل نسبی ارزش»، کمی، عینی، انضمامی، مشخص و ناهمگن و «شکل عام ارزش»، کیفی، انتزاعی، مجرد و همگن است.

۴) هرگاه نسبت رابطه‌ی شکل نسبی خواست با شکل عام ارزش آن در جامعه به میزانی تغییر کند که تحقق «خواست» مستلزم تغییر نظم موجود و مستقر باشد اعتراض به قیام و انقلاب استحاله پیدا می‌کند.

۵) حضور کمی اکثریت جامعه مشروعیت و نیازهای انسانی نوعی عصر یا دوران حقانیت قیام و انقلاب را مشخص می‌کنند.

۶) شکل حضور سراسری و اکثریت جامعه از پایین برای تغییر نظم موجود وجه تمایز قیام و انقلاب از اشکال کودتا و حمله‌ی نظامی و... تغییر نظام است.

۷) اعتراض سراسری و جمعی اگر در تحقق خواست با «مانیفست موانع» مواجه شود، تبدیل به «قیام» و «انقلاب» می‌شود.

۸) جنبش اجتماعی، جنبش انقلابی و انقلاب دارای سرشت دوگانه‌ی سلب و ایجاب هستند. در وضعیت سلبی سوزه وضعیت به شکل سراسری، جمعی و از پایین اعلام می‌کنند که «چه چیزی را نمی‌خواهند». و در ایجاب، سوزه سیاسی بدیل نخواستن را پیشنهاد می‌دهند. بنابراین تا زمانی که «سلب قیام» وارد مرحله‌ی «ایجاب انقلاب» نشود، «انقلاب» در مقام لحظه‌ی انفجار «جنبش انقلابی» تجلی عینی پیدا نمی‌کند.

۹) در صورتی که اعتراضات جمعی و سراسری مانیفست موانع را رفع کند رفم سیاسی اتفاق می‌افتد و قیام و انقلاب و جنبش انقلابی تا تیز شدن دوباره‌ی تضادها از فوکوس خارج می‌شوند، اما جنبش انقلابی و اجتماعی به حیات و رشد کمی، بطئی و آرام ادامه می‌دهد.

۱۰) در صورتی که اعتراضات سراسری سرکوب و نتواند مانیفست موانع را حل کند، قیام، انقلاب و جنبش انقلابی در فوکوس قرار می‌گیرد و در نهایت راه‌حل قهرآمیز انقلاب به اعتراضات تحمیل می‌شود.

۱۱) «جنبش اجتماعی ایران» به عنوان حرکتی بطئی، مدنی، آرام و درازمدت از نخستین روز پیروزی انقلاب ۵۷ به شکل مقاومت مدنی زنان، روشنفکران، سازمان‌ها و احزاب مترقی چپ و ملی و مذهبی در تضاد با محتوای جمهوری اسلامی شکل گرفت.

۱۲) «جنبش انقلابی» نیز از نخستین روز پیروزی انقلاب ۵۷ در قالب مبارزه‌ی سازمان‌ها و احزاب برانداز در دهه‌ی شصت برای تغییر نظام جمهوری اسلامی شکل گرفت اما به حضور سراسری و اکثریت جامعه هیچگاه پیوند نخورد و سرکوب شد. جنبش انقلابی در دهه‌ی هفتاد و هشتاد در فلو (floo) و «اصلاحات» در فوکوس (focus) قرار گرفت. در دهه‌ی نود برای اولین بار در «قیام» سراسری آبان ماه ۹۸ به شکل سراسری و از پایین قیام و انقلاب از فلو خارج و دوباره در فوکوس قرار گرفت و اولین نقطه‌ی عطفش را با شعار سلبی «اصلاح طلب، اصول گرا، دیگه تمومه ماجرا» اعلام و تثبیت کرد. قیام آبان ماه وحشیانه سرکوب و شکست خورد اما پروژه‌ی «جنبش انقلابی» از دستور کار مردم ایران خارج نشد.

۱۳) «جنبش انقلابی» در اعتراضات شهریور ۱۴۰۱ دوباره از پس‌زمینه به پیش‌زمینه آمد و توانست وجه ایجابی‌اش را در آرمان زن، زندگی آزادی به عنوان «انقلاب ژینا» بارز کند.

۱۴) تمام افراد حقیقی و حقوقی، سازمان‌ها، احزاب و... که به سرشت دوگانه انقلاب ژینا، وجه سلبی آن نفی نظام جمهوری اسلامی، و وجه ایجابی آن یعنی آرمان زن، زندگی، آزادی وفادار هستند، جز دوستان انقلاب ژینا هستند. در غیر این صورت جز دشمنان آن محسوب می‌شوند.

۱۵) نقطه‌ی مشترک و وحدت دوستان انقلاب ژینا، وجه سلبی انقلاب ژینا، نفی نظام جمهوری است اما نقطه‌ی متمایز و افتراق دوستان انقلاب ژینا در وفاداری به آرمان زن، زندگی، آزادی متعین می‌شود...



۱۶) سرشت سلبی انقلاب ژینا متناسب با حل تضاد اصلی جامعه ایران، تضاد دیکتاتوری با دموکراسی، بورژوا-دموکراتیک است و شامل تمام افراد حقیقی و حقوقی می‌شود که خواهان تغییر نظام جمهوری اسلامی هستند که طیف دوستان انقلاب ژینا را مشخص می‌کند اما سرشت ایجابی انقلاب ژینا سوژهی «زن» را به شکل دموکراتیک، سراسری و از پایین به عنوان نیروی رهبری جمعی حل تضاد اصلی، دیکتاتوری با دموکراسی، و تحقق آرمان «زندگی» و «آزادی» پیشنهاد داده است که خط تمایز دوستان انقلاب ژینا است.

۱۷) انقلاب ژینا با وحشیانه‌ترین شیوه‌ها سرکوب شد و مردم در لحظه و ساعت تاریخی نقطه‌ی اوج انقلاب در صحنه حضور نیافتند اما جنبش انقلابی ژینا کماکان به شکل مقاومت مدنی و اعتراضات پراکنده در دستور کار مردم ادامه یافت.

۱۸) تا زمانی که تضاد اصلی «جنبش انقلابی ژینا» در میان مدت یا درازمدت حل نشود، «انقلاب ژینا» به عنوان راه‌حل تضاد اصلی جامعه ایران از دستورکار و مبارزه‌ی مردم خارج نخواهد شد.

۱۹) تجربه‌ی تاریخی نشان داده است تکرار تاکتیک‌ها و راه‌های به شکست منجر شده، دوباره به شکست منجر می‌شود. بنابراین جنبش انقلابی ژینا در آینده برای پیروزی باید تاکتیک‌ها و راه‌حل‌های ابتکاری و خلاقانه را از پایین و به رهبری جمعی زنان برای حل تضاد اصلی به اجرا درآورد.

۲۰) تصور اینکه بعد از شکست انقلاب ژینا نظام هیولائی جمهوری اسلامی توانسته پایه‌هایش را دوباره و در یک افق طولانی محکم کند و از دست جنبش انقلابی ژینا راحت شود یک توهم کودکانه است. بدون شک در آینده قیام سراسری دیگری به وقوع خواهد پیوست اما موضوع مهم وقوع چنین قیامی نیست، بلکه موضوع اصلی این است که مردم و به‌خصوص نسل جوان چگونه درس‌هایی را که از شکست انقلاب ژینا در سال ۱۴۰۱ آموخته‌اند در تداوم جنبش انقلابی ژینا و در آینده به کار خواهند گرفت.

## پانویس‌ها:

[i] (ednref1\_#) هانا ارنست. انقلاب. ترجمه. عزت فولادوند، ص ۶۱.

[ii] (ednref2\_#) همان منبع. ص. ۶۶.

[iii] (ednref3\_#) هانا ارنست. انقلاب مجارستان. مقاومت مردمی علیه توتالیتاریسم. ترجمه. کیومرث خواجه‌پها. انتشارات روشنگران. ص. ۳۰.

[iv] (ednref4\_#) همان منبع. ص. ۳۰.

[v] (ednref5\_#) همان منبع. ص. ۸.

[vi] (ednref6\_#) همان منبع. ص. ۷۸ و ۷۹.

[vii] (ednref7\_#) کارل مارکس. سرمایه. نقدی بر اقتصاد سیاسی. جلد یکم. ترجمه ی حسن مرتضوی. انتشارات آگاه. چاپ ۱۳۸۸. ص. ۸۲.

[viii] (ednref8\_#) کارل مارکس. فردریش انگلس. ایدئولوژی آلمانی. ترجمه. تیرداد نیکی. انتشارات پیام پیروز. سال ۱۳۷۷. ص. ۲۰.

[ix] (ednref9\_#) کارل مارکس. نبردهای طبقاتی در فرانسه از سال ۱۸۴۸ تا ۱۸۵۰. ترجمه. باقر پرهام. نشر مرکز. چاپ چهارم. ۱۳۹۰. ص. ۱۳۷.

[x] (ednref10\_#) لنین. آثار منتخب در دو جلد. جلد اول. ترجمه محمد پورهرمزان. انتشارات فردوس. چاپ ۱۳۸۴.

## این مطلب را پسندیدید؟ کمک مالی شما به ما این امکان را خواهد داد که از این نوع مطالب بیشتر منتشر کنیم.

آیا مایل هستید ما را در تحقیق و نوشتن تعداد بیشتری از این‌گونه مطالب یاری کنید؟  
از ما حمایت کنید

در حال حاضر امکان دریافت کمک مخاطبان ساکن ایران وجود ندارد

[توضیح بیشتر در مورد اینکه چگونه می‌توانید از ما حمایت کنید](#)